

## سرمایه های اجتماعی

سرمایه ، واژه آشنایی است که بارها و بارها آن را شنیده ایم و شاید با تأمل و تعقل و یا ساده و بی تفاوت از آن گذر کرده ایم؛ اما باید بدانیم سرمایه ، معنای گسترده تری از آنچه ما می اندیشیم دارد . سرمایه ، فقط شامل مال و ثروت و پول و دارایی نمی شود ، بلکه توانایی ها ، استعدادها ، علاقه مندی ها و حتی بینش یک فرد نیز جزو سرمایه های او به شمار می رود؛ سرمایه هایی که برای یافتن آنها باید درکی عمیق و بینشی وسیع داشت .

یکی از سرمایه های مهم هر جامعه ای که از مؤلفه های اساسی و مؤثر در توسعه و ثبات آن کشور محسوب می شود ، سرمایه اجتماعی است ؛ سرمایه ای که زیر بنای توسعه فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی یک کشور است . اهمیت این سرمایه ، به میزانی است که از آن به عنوان ثروت نامرئی یک کشور یاد می کنند و از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام ، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می شود و هر گونه کاهش در آن ، منجر به کاهش مشارکت های سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می شود و همچنین رشد آسیب ها و جرایم اجتماعی ، بی اعتمادی ، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری ها نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی است .

### تعریف سرمایه اجتماعی

همان گونه که اشاره شد ، سرمایه اجتماعی ، یکی از مؤلفه های اساسی در توسعه و ثبات یک کشور است ؛ اما در مورد این مفهوم اجتماعی ، تعاریف گوناگونی نیز ارائه شده است . بانک جهانی ، سرمایه اجتماعی را به عنوان «ثروت نامرئی یک کشور» در نظر می گیرد و آن را در بر گیرنده نهادها و روابط و هنجارهایی می داند که تعاملات اجتماعی را شکل می دهند .

سرمایه اجتماعی ، مفهومی است که در بسیاری از موارد ، توسط تحلیلگران اجتماعی برای توضیح طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی به کار می رود . اما در جامع ترین تعریف می توان گفت : «سرمایه اجتماعی ، مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان های اجتماعی جامعه وجود دارد و بر رشد شناختی و یا اجتماعی افراد ، مؤثر است . «اصطلاح سرمایه اجتماعی ، به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به عنوان منبع بالارزشی اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل ، موجب تحقق اهداف جامعه می شوند.

سرمایه اجتماعی را می توان یک مفهوم مرکب دانست که دارای «ساختار» ، «محتوا» و «کارکرد» است . سرمایه اجتماعی مانند شکل های دیگر سرمایه ، مولد است و دستیابی به اهداف را تسریع می بخشد . اهمیت این سرمایه ، تا جایی است که آن را مکمل «سرمایه انسانی» می دانند و حتی از سرمایه انسانی ، به عنوان ابزاری برای رسیدن به «سرمایه اجتماعی» یاد می کنند .

### سرمایه اجتماعی ، زیربنای توسعه اقتصادی

از سرمایه اجتماعی ، به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می کنند . اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی در

یک جامعه، تا حدی است که می توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه یافته به طور آشکاری مشاهده کرد.

سرمایه اجتماعی را در اقتصاد هر کشور می توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد.

سرمایه اجتماعی ضمن شکل دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می دهد و کمک می کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابند.

سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی ها و همسانی های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می شود و در خدمت منافع اقتصادی قرار می گیرد و بستر و فضایی ایجاد می کند که ضمن کاهش هزینه های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آنها نیز افزایش یابد.

سرمایه اجتماعی با قواعد و ارزش های اخلاقی و رفتاری خود در حوزه اقتصاد، افراد را مقتید می کند تا در گروه های مختلف اجتماعی با هم به تعامل، مبادله و تصمیم گیری بپردازند.

می توان از واژه هایی مانند: اعتماد، امانتداری، نیکوکاری، خیر بودن، صداقت و توجه به ارزش های مذهبی در کسب و کار، به عنوان سرمایه های اجتماعی در حوزه اقتصاد یاد کرد که اگر در رفتارها و قواعد و مبادلات اقتصادی و هنجارهای آن حاکم شود، می تواند به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک نماید؛ زیرا وجود عاملی به نام اعتماد، موجب شکل گیری گروه هایی می شود که با اطمینان به یکدیگر، در حوزه اقتصاد جامعه فعالیت می کنند.

اما بعد از اعتماد می توان از خلاقیت و نوآوری توسط نیروهای انسانی، به عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی دیگر، یاد کرد. رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند خلاقیت است و مطالعات اقتصادی نشان می دهد که بخش اعظمی از رشد و توسعه اقتصادی هر کشور، با استفاده از این ثروت نهفته، شکل گرفته است. رشد ابداعات و خلاقیت و نوآوری در بهره وری اقتصادی، نقش دارد و باعث می شود از سرمایه های دیگر کشور در حوزه اقتصاد، به نحو مطلوب و مؤثرتری استفاده شود.

اما متأسفانه با وجود تمام موفقیت ها، مبحث «سرمایه اجتماعی» نتوانسته است جایگاه شایسته خود را در حوزه اقتصاد پیدا کند و هنوز شاخص فراگیری که بتواند میزان سرمایه اجتماعی و تحولات آن را اداره کند، در دسترس نیست. سرمایه اجتماعی، یک متغیر چند وجهی است و لازم است که این عامل مهم و زیربنایی در حوزه اقتصاد، هر چه بیشتر شناخته شود و هر چه بهتر، مورد بهره برداری قرار گیرد.

## سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی

سرمایه اجتماعی، ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی است. در این مورد، نوع رابطه ای که بین مردم و دولت مردان وجود دارد، می تواند در شکل گیری مفهوم شهروندی و همچنین جامعه مدنی، نقش اساسی ای داشته باشد. در جامعه مدنی، نهادهای قانونمند به عنوان واسطه بین دولت و مردم، در تعدیل روابط بین آنها ایفای نقش می کنند و این موضوع، محصول سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی همچنین ضمن تعدیل روابط، به انسجام و همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آنها با دولت می گردد.

مهم ترین سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، مشارکت مردم در صحنه های گوناگون سیاسی است. این سرمایه اجتماعی (یعنی حمایت مردم از دولت در صحنه های گوناگون) یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه سیاسی هر کشور است.

## سرمایه اجتماعی و عوامل توسعه سیاسی

عوامل مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی برای توسعه سیاسی هر کشور نقش دارند که عبارت اند از:

1. آگاهی: زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه نمی شوند، از اجتماع خود دور هستند و بنا بر این، شناخت کافی از مسائل و نیز قدرت انتخاب و فرصت مشارکت در تصمیم گیری کلان جامعه خود را ندارند. بدین ترتیب، توسعه سیاسی جامعه، عملاً غیر ممکن می شود.

2. اعتماد: زمانی که اعتماد در جامعه بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی فراهم می شود؛ اما در صورت پایین بودن این اعتماد، شکل گیری توسعه اجتماعی، غیرممکن خواهد بود. عدم اعتماد نیز می تواند ناشی از دو عامل باشد: سابقه نامطلوب اقدامات نهادهای اجتماعی و نخبگان و دولت مردان و یا فقدان اعتماد جامعه به توانایی های خودش.

3. مشارکت: با مشارکت افراد جامعه در سرنوشت خود و کلیه امور مربوط به خود، سرمایه اجتماعی پدید می آید. افراد، با چنین اقداماتی، به پیشرفت و توسعه جامعه کمک می کنند و اگر این سرمایه اجتماعی افزایش یابد، توسعه سیاسی کشور نیز به تدریج، اتفاق می افتد.

## سرمایه اجتماعی در حوزه فرهنگی

سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه فرهنگی هر جامعه نیز محسوب می شود. بنا بر این، برای توسعه فرهنگی هر جامعه باید سرمایه های اجتماعی این بخش، شناخته شود و مورد بهره برداری قرار گیرد. هر چه سرمایه های اجتماعی در بخش های فرهنگی جامعه تقویت شود، توسعه فرهنگی نیز سرعت بیشتری به خود می گیرد و از این رهگذر، رفتار افراد جامعه و نحوه تعاملات آنها قابل پیش بینی تر می شود؛ چرا که افراد، در چارچوب قواعد خاص فرهنگی، رفتار می کنند و این رفتار حساب شده، منجر به گسترش اعتماد در جامعه می شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش های مختلف فرهنگی جامعه، مناسبات اجتماعی و فرهنگی هم، روان تر و کم هزینه تر می گردد.

روشن فکران، دانشمندان، پژوهشگران، فناوران، مدیران، نویسندگان و عموم تولیدکنندگان علم در هر جامعه ای، از سرمایه های مهم اجتماعی در حوزه فرهنگ، محسوب می شوند که باید مورد شناسایی و حمایت و بهره برداری قرار گیرند تا آنها نیز به شکوفایی کشور کمک کنند. اگر به سرمایه های اجتماعی در بخش مهم فرهنگی، توجه کافی معطوف نشود، این سرمایه ها، روندی رو به نزول را طی می کنند و با سقوط این سرمایه ها ارزش های اخلاقی و حتی دینی هم تزلزل می یابند. بخش فرهنگی هر جامعه، از مهم ترین بخش های مؤثر در هر جامعه محسوب می شود. بنا بر این، به سرمایه های اجتماعی این بخش نیز باید

توجه کافی مبذول شود.

از دیگر سرمایه های اجتماعی مهم در بخش فرهنگی ، جوانان مستعد هستند که با وجود شکل گیری شخصیت آنها در فرهنگ حاکم بر جامعه ، به توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جامعه کمک می کنند . بنا بر این ، نحوه اجتماعی شدن این سرمایه های اجتماعی در فرهنگ حاکم جامعه ، از مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از خلاقیت و ابتکارات آنان در بخش فرهنگ ، اقتصاد و سیاست ، استفاده نمود .

## اهمیت سرمایه اجتماعی

در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی در زمینه ها و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی ترین مفاهیم، ظهور و بروز یافته است، هر چند شور و شوق زیادی در بین صاحب نظران و پژوهشگران مشابه چارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی ایجاد کرد. لیکن نگرش ها، دیدگاه ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش ها در این حوزه بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در سپهرهای متفاوت اجتماعی است .

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش های اجتماعی می شود، به طوری که در مواقع بحرانی می توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد.

تعدادی از عناصر اصلی که می توان سرمایه اجتماعی را با آن مورد اندازه گیری قرار داد عبارتند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیر رسمی همیارانه در فعالیت های داوطلبانه در تشکل های غیردولتی، خیریه ای، مذهبی، اتحادیه ها، انجمن های صنفی و علمی و ... . در مجموع می توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است. از دیگر معیارها می توان به احساس مردم نسبت به حکومت و مردم اشاره کرد و نیز داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به آینده از معیارهای مطرح محسوب می شود .

اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه های اجتماعی ای که می توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه های مورد بحث ایجاد کنند بدانیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکل این سرمایه است. اگر ما مانند عنصری از یک سازمان مدنی به صورت همیشگی همدیگر را ملاقات کنیم احساس مسئولیت نسبت به همدیگر در ما پیدا می شود و می توانیم به همدیگر اعتماد کرده و در نهایت با هم همکاری کنیم . برای اینکه احساس اطمینان در بین باشد لازم است که ما همدیگر را ملاقات کنیم و ارتباط مدام با هم داشته باشیم. همچنین چیزی که به طور جمعی می توانیم به دست آوریم به تنهایی نمی توانیم .

منظور از باهم بودن، نهادهای اجتماعی ای است که کارکرد دیدار، شناخت و در نهایت اعتماد را میسر می کنند. البته حتما لازم نیست که ارتباط پیش گفته تنها در داخل نهادهای جامعه مدنی باشد بلکه بیشتر روش ها و فرم های اجتماعی را نیز که ارتباط مداوم و سازماندهی شده دارند، در برمی گیرد. اما نباید از یاد برد که اعتماد و حس همکاری با شیوه های آسان تر در داخل نهادهای جامعه مدنی درست می شوند؛ به این دلیل که اعضای آن نهادها به دلخواه و بدون هیچ چشمداشتی به عضویت آن نهادها درمی آیند.

به این ترتیب سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود. در اینجا می توان گفت اگر در جامعه ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان به یکدیگر بین مردم، رواج فساد اداری - اقتصادی، ترس و.... پس می توان تله اجتماعی را که بعضی اوقات از آن به عنوان مشکل منافع جمعی یاد می شود به صورت زیر شرح داد.

همه می دانیم که منافع مان ایجاب می کند که همه با هم همکاری کنیم. اما اگر تو به این باور نرسی که تمام افراد دیگر اجتماع هم همکاری می کنند، دیگر معنایی نخواهد داشت که تو به تنهایی همکاری کنی. نتیجه این اعتقاد این است که همکاری و تلاش برای منافع جمعی تنها زمانی میسر می شود که انسان به این باور برسد که همه افراد دیگر نیز همکاری خواهند کرد.

## نقش سرمایه های اجتماعی در ارتقای بهره وری نیروی کار

در تعریف سرمایه اجتماعی می توان گفت سرمایه اجتماعی مجموعه ای از هنجارها، ارزشهای غیر رسمی، قواعد عرفی و تعهدات اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در آنها شکل می گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می شود و معمولا به افزایش همکاری مشارکت اجتماعی افراد می انجامد و کمک می کند تا سرمایه انسانی، مادی و سرمایه اجتماعی و نقش آن در ارتقای بهره وری نیروی کار اقتصادی بتواند در تعامل با هم به یک رشد پویا برسد. سرمایه اجتماعی را می توان تاثیر اقتصادی مولفه های فرهنگی هر سیستم اجتماعی دانست که در آن مولفه هایی مانند اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه ای و موارد مشابه باعث می شود تا هزینه های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی رایزنی های مدیریتی کندی ناشی از نظام بوروکراتیک و موارد دیگر پایین آمده و امکان استفاده از زمان و سرمایه برای انجام فعالیتهای با بهره وری بیشتر فراهم شود.

سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی میشود که شامل نهادها، هنجارها، اعتماد، مشارکت، آگاهی و بسیاری موارد دیگر است که بر روابط و تعاملات میان افراد حاکم است و می تواند پیامدها و نتایج مختلفی بر عملکرد افراد و جوامع داشته باشد سرمایه اجتماعی با افزایش سطح اعتماد، همکاری متقابل و مشارکت داوطلبانه در فعالیت های اجتماعی، با کاهش هزینه های نظارت و کنترل فرایند تولید نیروی انسانی، کاهش هزینه های تنظیم قراردادهای پیچیده و به اشتراک گذاشتن دانش و ابتکارات، به افزایش بهره وری نیروی کار می انجامد. به علاوه سرمایه اجتماعی با انتشار دانش و اطلاعات در میان کارکنان به افزایش بهره وری آنان منجر می گردد و تعاملات اجتماعی نیز

بر انگیزه و تلاش نیروی کار اثر گذار است. از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقش انکارناپذیری بر بهره وری نیروی کار دارد باید در وضع قوانین توجه ویژه‌ای به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی افراد و نیز میان افراد با دولت شود.